

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

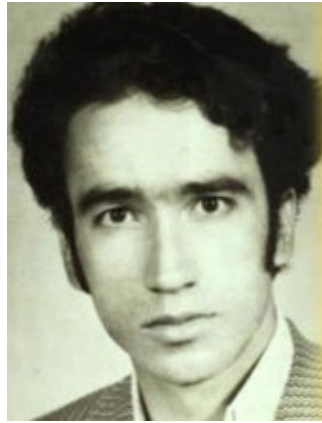
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

شاعر: زنده یاد "داوود سرمد"  
ویراستاری و ارسال از: احمد پوپل  
۰۳ نومبر ۲۰۲۱



زنده یاد داوود سرمد

## اشعار زنده یاد «داوود سرمد»

(۴۲)

### تشنه

ای سرم سایه وار در قدمت      سُرمه ام خاکِ درگه حرمت  
هستیم سوخت گر چه از ستمت      شاخه های درختِ سبزِ غمت  
میزند در دلم جوانه هنوز!

ای هوای غم تو در سرم      گل زده زخمِ عشقت از بر من  
لاله روید ز روی بستر من      بس که از خون دیده تر من  
میچکد اشک دانه دانه هنوز!

ای دلم سخت آرزومندت      جان من جاودانه در بندت  
بر لب من نوا پیوندت      با نسیم بهار لبخندت  
میشگوفد گل ترانه هنوز!

ای که داغ غمت کبابم کرد همدم ساغر و شرابم کرد\*  
آتش رفته رفته آبم کرد پرده ام بُرد و بی حجابم کرد\*  
باورت بر من است یا نه هنوز؟\*

ای تو پاکیزه تر ز چشمه آب نیست باور مرا به نقشِ سراب  
تشنه ام تشنه، آب خواهم آب من و این ناله های پر تب و تاب  
تو و با من سرِ بهانه هنوز!

ای که در دوریت قرارم نیست غیرِ داغ تو در کنارم نیست  
جز خیالِ تو غمگسارم نیست گر چه امید و انتظارم نیست  
دیده دوزم به دربِ خانه هنوز!

لب من را زشکوه پرهیز است لیک دردِ تو ناله انگیز است  
آتش عشقت آنقدر تیز است کز نگاهم که شعله آمیز است  
میکشد هر نفس زبانه هنوز!

ای که از دست تو هلاک شدم چون گلِ لاله، سینه چاک شدم  
سوختم آنقدر که آب شدم داغ تو برده برده خاک شدم  
باورت بر من است یا نه هنوز؟

زنده یاد داوود سرمد  
این شعر در مجله عرفان چاپ شده است و احتمالاً بین سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ سروده شده

در این مخمس این مصارع چاپ نگردیده

ای که داغ غمت کبابم کرد همدم ساغر و شرابم کرد  
آتش رفته رفته آبم کرد پرده ام بُرد و بی حجابم کرد  
باورت بر من است یا نه هنوز؟